

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیکوس مونتاس (Nikos Mottas) - سردبیر "در دفاع از کمونیسم"

برگردان از: ا. م. شیری

۲۳ فبروری ۲۰۲۰

درس دیگری از تاریخ برای عموم

این حادثه ۵۲ سال قبل در سال ۱۹۶۸ در پراگ، پایتخت جمهوری سوسیالیستی چکوسلاواکی روی داد، که با همیاری انترناسیونالیستی کشورهای عضو پیمان ورشو یکی از خشنترین هجوم ضدانقلابی دوره "جنگ سرد" سرکوب شد. رویدادهای پراگ به نقطه عطفی در مبارزه دنیای سوسیالیستی علیه امپریالیسم بدل گشت. در عین حال، وقایع پراگ (۱) همچنان به عنوان مبنای تبلیغات ضدکمونیستی نیروهای مختلف سرمایه داری و ابن الوقتها استفاده می شود. تاریخنگاران سرمایه داری در طول دهه های زیادی با پشتیبانی فرصت طلبان و ضدانقلابیون (تروتسکیستها، اروکمونیستها، سوسیال -دموکراتها و غیره) در باره "تانکهای اتحاد شوروی" می نویسند، که بنا به ادعای آنها، "پراگ را در خون غرق ساختند" و به این گونه به تلاشها برای ساختن "سوسیالیسم با سیمای انسانی" پیش از موعد پایان دادند.

وقایع ضد انقلابی سال ۱۹۶۸ پراگ توسط سرمایه داری جهانی در مبارزه با اتحاد شوروی و ایجاد سوسیالیسم در قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت. این تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی بر مبنای استدلالهای دروغین بنا گردید، که روند اصلاحات آغاز شده به رهبری الکساندر دوبچک (۲) گویا سمت و سوی ایجاد "سوسیالیسم انسانی" به مثابه بدیل "الگوی ستالینی" تحمیلی توسط اتحاد شوروی داشت.

امروز پس از گذشت بیش از نیم قرن، اسناد قابل دسترس، آرشیوها و منابع اطلاعاتی دیگر بسیاری وجود دارد که با استناد بر آنها می توان به نتیجه گیریهای ارزشمندی در مورد ماهیت واقعی ضد انقلاب و فعالیتهای خرابکارانه مداوم امپریالیسم رسید. زمان در هم شکستن جعلیات ضد کمونیستی و افشای تحریف نفرت انگیز تاریخ فرارسیده است.

وقایع سال ۱۹۶۸ چکوسلاواکی باید در چهارچوب دوره زمانی آن رویدادها مورد بررسی قرار گیرد. آنها مولود "جنگ سرد"، رویارویی جهانی دو نظام اجتماعی متفاوت -سرمایه داری و سوسیالیسم بودند. بر اساس این تقابل، امپریالیسم جهانی (ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپای غربی) یک ستراتیژی کاملاً انعطافپذیر برای خرابکاری و براندازی سوسیالیسم تدوین کرد. لازم به یادآوری است، که ۱۲ سال پیش از "بهار پراگ" در سال ۱۹۵۶ در هنگری شورش ضد انقلابی دیگری تحت پوشش انقلاب روی داد (۳)

تجربه هنگری باعث تغییر سیاست امپریالیسم در رویارویی با جهان سوسیالیسم گردید. این سیاست را یکی از "معماران" سیاست خارجی وقت ایالات متحده امریکا، زیبگنیو بژینسکی تشریح نمود، که متعاقب آن، پست مشاور

رئیس جمهور در امور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا را احراز کرد. او نوشت، که مطلوبترین تغییر در کشورهای اروپای شرقی از راه "لیبرالیزه کردن داخلی" می گذرد. او پیشبینی کرد، که چنین "تغییراتی" می تواند براحتی در چکوسلاواکی، پس از آن در هنگری و پولند روی دهد (۴).

پیش از بژینسکی در سالهای ۵۰ قرن بیستم، فعالیتهای ضد انقلابی "داخلی" در کشورهای سوسیالیستی، به مثابه اساس سیاست خارجی ایالات متحده توسط جان فاستر دالس، وزیر خارجه این کشور در دولت آیزنهاور تنظیم و ترویج می شد. مفهوم "لیبرالیزه کردن داخلی"، که بژینسکی تشریح کرد، "کلید" دست امپریالیسم آمریکا و متحدان آن برای "توسعه" ضد انقلاب در چکوسلاواکی بود. تسلط راستها، نیروهای فرصت طلب به سرکردگی الکساندر دوبچک دبیر کل جدید بر حزب کمونیست چکوسلاواکی از ماه جنوری سال ۱۹۶۸ راه را برای انجام یکسری "اصلاحات" و "لیبرالیزه کردن" الگوی سوسیالیستی هموار نمود. هدف نسخه پیشنهادی نیروهای سرمایه داری و اپورتونیستهای راست در مورد وقایع "بهار پراگ" "دموکراتیزه کردن" مدل سوسیالیستی چکوسلاواکی و ادعای "ایجاد سوسیالیسم با سیمای انسانی" بود (اصلاحات تحت رهبری دوبچک اینطور نامیده می شد). البته، این یک دروغ تاریخی ثابت شده و مسلم است.

به اصطلاح "بهار پراگ" در عمل "اسب ترآی" امپریالیسم بود. نیروهای ارتجاعی به سرمداری الکساندر دوبچک و اوتا شیک (۵) در چهارچوب ایدئولوژی تجدیدنظرطلبی، از مشکلات واقعی نظام سوسیالیستی (به عنوان مثال، در اقتصاد، تولید، آموزش و پرورش عمومی و غیره) به عنوان بهانه ای برای اجرای سیاستهای ضد سوسیالیستی استفاده کردند، که به بازسازی آرام، اما پیوسته سرمایه داری منجر گردید. اوتا شیک، اقتصاددان چک، یکی از مهره های اصلی "بهار پراگ" هدف واقعی اصلاحات سال ۱۹۶۸ را آشکار کرد. شیک، طرفدار به اصطلاح "راه سوم"، با وقاحت اعتراف کرد، که اصلاحات یک مانور فریبکارانه است و حتی اعتقاد داشت که سرمایه داری خالص تنها راه حل است (۶).

برنامه های امپریالیستی و همبستگی انترناسیونالیستی اتحاد شوروی

اقدامات ضد انقلابی امپریالیسم جهانی بازسازی نظام سرمایه داری خالص در سال ۱۹۶۸ در چکوسلاواکی را تا حدود زیادی تسهیل نمود. اسناد مختلف از طبقه بندی خارج شده سازمان سیا و وزارت خارجه آمریکا وجود "برنامه های عملیاتی" تنظیم شده توسط دولت آمریکا برای بی ثبات کردن چکوسلاواکی را ثابت می کنند. هدف این برنامه ها عبارت بود از خرابکاریهای وسیع، تبلیغات گسترده ضد کمونیستی، سازماندهی و تأمین مالی گروههای ضد انقلابی در داخل کشور.

نکته قابل توجه این است که فقط یک هفته قبل از مداخله نظامی کشورهای عضو پیمان ورشو، تقریباً ۱۰-۱۲ هزار نفر از آلمان غربی وارد پراگ شدند. علاوه بر آنها، تعداد بسیار زیادی از مأموران سازمان سیا در پایتخت چکوسلاواکی حضور داشتند، که به فعالیتهای غیرقانونی مشغول بودند.

روزنامه کالیفرنیا بیانیه سرکرده سازمانی به نام "امریکاییهای جدید برای آزادی" را که تازه از چکوسلاواکی برگشته بود، منتشر کرد. مأموریت او، بنا به گزارش، عبارت بود از سازماندهی گروههای دانشجویی علیه کمونیسم و آموزش گروههای ضد انقلابی و تروریستی هدفمند (۷).

جمهوری فدرال آلمان در اجرای برنامه های ضد انقلابی امپریالیستی نقش بسیار مهمی بازی کرد. بهار سال ۱۹۶۸ هزاران مأمور مخفی، جاسوس و خرابکار در داخل جهانگردان از مرز گذشتند. در ماه اپریل سال ۱۹۶۸ در مرز بین

چکوسلاواکی و المان غربی پنج گذرگاه مرزی تأسیس گردید؛ روزانه ۷۰۰۰ خودرو از هر یک از این گذرگاهها عبور می کرد(۸).

حلقه ضد انقلاب به گردن چکوسلاواکی تا اوایل ماه اگست بسته شد. مهمات ساخت ایالات متحده آمریکا و المان غربی در زیرزمینهای ساختمانهای دولتی کشف شد؛ و با همکاری سازمان سیا و پولیس مخفی المان غربی تبلیغات ضد کمونیستی از فرستنده های سیار رادیویی در سراسر کشور پخش می گردید. فرارویی اغتشاشات تقویت شده امپریالیستی به کودتای ضد انقلابی آشکار، کار چند روز بود.

مداخله نظامی کشورهای عضو پیمان ورشو در ۲۰ اگست سال ۱۹۶۸ درست زمانی اتفاق افتاد که نیروهای ضد انقلابی با پشتیبانی امپریالیستهای امریکائی و اروپائی چکوسلاواکی و مردم آن را له کرده بودند. حضور سربازان اتحاد شوروی نماد همبستگی انترناسیونالیستی بود، که موفق شد برنامه های امپریالیستی را خنثی کند و خلق کشور را از خونریزی در جنگ داخلی قریب الوقع نجات دهد.

و جای تعجب نیست که تاریخ نویسی فرصتطلبانه سرمایه داری مداخله انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو در چکوسلاواکی را به عنوان "حمله شوروی" و گویا نقض حاکمیت ارضی کشور قلمداد نمود. این یک دروغ آشکار است. در مواجهه با تهدید ضد انقلاب، اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست و همچنین، اعضای مجلس شورای ملی چکوسلاواکی از اتحاد شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو خواستار مداخله نظامی شدند. چکوسلاواکی بدون مداخله اتحاد شوروی، احتمالاً، قبل از این که به یکی از کشورهای عروسکی آمریکا و ناتو تبدیل شود، به هرج و مرج در جنگ داخلی خونین و مخرب گرفتار می شد.

امروز، با گذشت بیش از نیم قرن از "بهار پراگ" و ۳۰ سال از تغییرات ضد انقلاب در اروپای شرقی، انسانهای چکوسلاواکی پیشین که به دو جمهوری چک و سلاواکی تقسیم شده، دستاوردهای "آزادی سرمایه داری" را احساس می کنند. الغای حقوق اجتماعی و کارگری، رشد روزافزون بیکاری، خصوصی سازیهای گسترده، رشد سریع خانه به دوشی، تعمیق شکاف بین ثروتمندان و فقیران فقط بخشی از "ارمغان" اهدائی سرمایه داری و اتحادیه اروپا است. انحصارات و گروههای تجاری بزرگ اکنون مالک ثروتهای جمهوریهای چک و سلاواکی هستند.

تاریخ منبع بسیار غنی دانش است. واقعه چکوسلاواکی هنگام "بهار پراگ" ما را به سوی نتیجه گیری مهم، هم برای درک گذشته و هم، بالاتر از همه، برای نبردهای امروز و فردا راهنمایی می کند.

یادداشت:

- ۱- از ۵ جنوری تا ۲۱ اگست سال ۱۹۶۸.
- ۲- الکساندر دوبچک (۱۹۲۱-۱۹۹۲) دبیر اول هیأت رئیسه حزب کمونیست چکوسلاواکی از جنوری سال ۱۹۶۸ تا ماه اپریل سال ۱۹۶۹.
- ۳- پائیز خونین هنگری
- ۴- جایگزین برای بخش: برای درک گسترده تر از نقش آمریکا در اروپا، مطالعات سیاست اقیانوس اطلس. نیویورک: مک گراو - هیل ۱۹۶۵.
- ۵- اوتا شیک (۱۹۱۹-۲۰۰۴) اقتصاددان و سیاستمدار، یکی از مهره های کلیدی برنامه لیبرالیزه کردن اقتصاد.
- ۶- مصاحبه با روزنامه Mlada Front ، ۰۲/ ۰۸/ ۱۹۹۰.

- ۷- گس هال .امپرياليسم امروز :ارزيابي مشكلات اصلي و حوادث زمان ما .نيويورک .انتشارات بين المللي، ۱۹۷۲ .
- ۸- ضد کمونيسم ديروز و امروز .شعبه ايدئولوژيک حزب کمونيست يونان .SynchroniEpochi .آتن، ۲۰۰۶ .
منبع:

http://www.ns-c.org/20180925_Praga.htm